

سرکوب حماس یا جنگ میان دولت های هار سرمایه داری؟

فعالین جنبش لغو کار مزدی

جمعه سیزدهم دی ۱۳۸۷

حمام خون بردگان مزدی در مسنخ مجادلات درون سرمایه جهانی

جنگ جنایتکارانه دولت انسان کش اسرائیل علیه بردگان مزدی فلسطینی شش روز تمام است که از زمین و آسمان با تمامی سبعیت و سفاکی و خونخواری ادامه دارد. تا لحظه حاضر بیش از ۴۲۰ کودک و پیرو جوان فلسطینی در میان شعله های سرکش این جنگ تاتاریستی خاکستر شده اند و شمار زخمیان از مرز ۲۰۰۰ نفر فراتر رفته است. فقدان غذا و دارو و دکتر و سرپناه و امکانات درمان و سایر مایحتاج اولیه زیستی در زیر فشار لحظه به لحظه بمباران ها و شلیک راکت نیروهای اختاپوسی سرمایه داری اسرائیل آن چنان جهنمی آفریده است که مشاهده آن برای هر انسانی که سلولی از بشربودن در ترکیب حیات خود دارد بسیار طاقت فرسا و خارج از توان تحمل است. حاکمان سرمایه در اسرائیل بهانه این تاتاریسم توحش آمیز را موشک پرانی ها و عملیات نظامی گروه ارتجاعی حماس اعلام داشته اند. داعیه ای که از سوی دولت هار سرمایه داری امریکا، عربستان سعودی، مصر، اردن، سازمان فتح، اتحادیه اروپا و همه دولت های سرمایه داری دیگر نیز تأیید و تکرار و باز هم تکرار گردیده است. اینکه حماس چیست و چه می کند و چه نقشی دارد؟ در این جا مورد بحث ما نیست، یک چیز روشن است. نه فقط حماس و فتح که همه سازمانهای سیاسی و میلیتاریستی موجود در فلسطین ظرف تلاش ارتجاع بورژوازی برای به کجراه بردن پروسه پیکار توده های کارگر و ستمکش این منطقه، سرشکن نمودن دریای پرخروش این مبارزات به باتلاق سیاه و عوفی ناسیونالیسم و ارتجاع بورژوازی هستند. این موضوعی است که نه محتاج بحث است و نه موضوع گفتگوی ما را در این چند سطر تعیین می کند. مسأله اصلی این است که جنگ جاری اسرائیل و جهنم انسان سوزی که اینک بر بردگان مزدی و مردم بی پناه فلسطین تحمیل شده است نه فقط ربطی به موشک پرانی های حماس ندارد که اساساً جنگ میان دولت اسرائیل و گروه حماس نیز نمی باشد. جنگ کنونی جنگی سازمان یافته، برنامه ریزی شده و نقشه مند میان دو بخش از بورژوازی ددمنش و هار و درنده در صحنه بین المللی است. یک طرف این جنگ دولت کارگرکش و تبهکار و حمام خون پرداز سرمایه داری اسلامی ایران ایستاده است و سوی دیگر آن دولت هار و جنگ افروز امریکا، دولت سرمایه داری خونخوار اسرائیل، دولت های سرمایه داری مصر و عربستان سعودی و اتحادیه اروپا و وسیعترین بخش سرمایه جهانی صف کشیده اند. توده های کارگر و نفرین شده فلسطینی در شعله های جنگ میان این دو قطب هار سرمایه است که می سوزند و می میرند و خاکستر می گردند. جنگ کنونی ادامه جنگ های گذشته و همیشه جاری دولت اسرائیل علیه بردگان مزدی دوزخ نشین فلسطینی نیست، رابطه این جنگ با جنگ های دیرینه اسرائیل یا کلاً دولت های سرمایه داری دنیا علیه ساکنان کارگر و فرودست فلسطین فقط یک چیز است. اینکه پیشینه ممتد تاریخی آن جنگ ها و جنایات زمینه مناسبی برای تدارک و برنامه ریزی و پیشبرد جنگ کنونی است. آنچه امروز

در غزه جریان دارد نه ادامه آن جنگ طولانی تاریخی بلکه تداوم مستقیم مشاجرات میان دولت هار سرمایه داری ایران و بخش های دیگر سرمایه جهانی در طول چند دهه اخیر و تشدید هر چه بیشتر آن در این چند سال است. این جنگ تداوم مشاجرات هسته ای میان جمهوری اسلامی و بورژوازی امریکا، تداوم قدرت طلبی ها، هژمونی خواهی ها و باج ستانی های دولت جنایتکار سرمایه داری ایران و تصادم این رویکرد با مقاومت سبعمانه و تجاوزگرانه و جنگ افروزانه و زیادت خواهانه بورژوازی امریکا، اسرائیل و دولت های سرمایه داری حوزه خلیج و منطقه خاور میانه، تداوم دسیسه آفرینی ها و سفاکی های بورژوازی ایران برای سهم بری بیشتر در استثمار پرولتاریای جهانی و موقعیت سیاسی نیرومندتر در منطقه و تصادم آن با یکه تازی ها و تاخت و تازهای بی مهار و انحصار جویانه بخش های دیگر سرمایه، تداوم جنگ امریکا علیه مردم نفرین شده عراق، تداوم سیاست های خاورمیانه ای بورژوازی جنگ افروز امریکا، تداوم کل کشمکش ها و جنگ و آشتی ها و اشغالگری ها و دیپلوماسی های معطوف به جدال میان این دو قطب است. دولت های امریکا و اسرائیل و همه همدستان ماهها است که برای شروع این جنگ نقشه کشیده و رایزنی کرده و برنامه ریزی نموده اند. کنفرانس واشنگتن با مشارکت دولت های عربستان سعودی و مصر و امارات و کویت و اردن و عراق، مسافرت های مکرر رایس به خاورمیانه و دیدارهای مکرر او با حاکمان سرمایه در جوامع سرمایه داری عرب، سفر وزیر امور خارجه اسرائیل به مصر و پاره ای اقدامات دیگر همه و همه اجزاء مختلف مقدمه چینی های همین جنگ بوده اند. هدف جنگ روشن است. دولت اسرائیل منطقه غزه را آماج گستره ترین حمام خون های سازد و دامنه کشتار مردم بی پناه و ستم زده فلسطینی را ساعت به ساعت توسعه می دهد. نابودی حماس و سازمان های فلسطینی طرفدار دولت سرمایه داری اسلامی برگ برنده ای است که اسرائیل و امریکا در خاورمیانه بر زمین می زنند تا به این ترتیب موازنه قدرت در این منطقه را عملاً به سود خویش و به زیان بسیار بسیار سنگین دولت بورژوازی اسلامی ایران به هم ریزند. اسرائیل و امریکا جنگ را ادامه می دهند و در این میان تمامی موقعیت و حیثیت و علم و کتل و ابراز قدرت جمهوری اسلامی را به چالش می کشند. آن ها تلاش می کنند تا به همه ساکنان این دیار بفهمانند که دولت اسلامی قادر به هیچ مقاومت و مقابله ای برای دفاع از نیروهای دست نشانده های خویش یا جریاناتی از نوع حماس نمی باشد. امریکا و اسرائیل تلاش می کنند تا آنچه را که در لبنان و در جنگ با حزب الله از دست دادند در اینجا به چنگ آرند. همه این ها اما فقط یک روی صحنه است. رویه دیگر آن نیز بسیار برنامه ریزی شده و حساب شده است. دولت های امریکا و اسرائیل به این نیز فکر کرده اند که شاید جمهوری اسلامی زیر فشار احساس ضعف و از دست دادن تمامی قدرت و هارت و پورت زیادت خواهی مجبور به نوعی واکنش عملی میلیتاریستی شود. این حادثه بسیار مهمی است که اسرائیل و امریکا چشم به راه وقوع آن هستند. این کار بهانه ای برای شروع جنگ میان دو بخش بورژوازی هار جهانی خواهد شد. جنگی که کل هست و نیست چند صد میلیون برده مزدی منطقه خاورمیانه را خاکستر خواهد ساخت و در همان حال موقعیت دولت سرمایه داری اسلامی ایران را نیز به نفع رقبای تضعیف خواهد کرد.

جنگ جاری اسرائیل علیه مردم کارگر و ستمزده و بی پناه فلسطین این اهداف را دنبال می کند. این جنگ در اساس خود جنگی میان دولت هار سرمایه داری ایران و رقبای درون طبقاتی وی در خاورمیانه و در سطح جهانی است. اینکه در مقابل این جنگ و جنگ افروزی ها چه باید کرد پاسخ بسیار روشن است. فقط و فقط و باز هم فقط جنبش

کارگری ایران، جنبش کارگری همه کشورهای خاورمیانه و جنبش کارگری بین المللی است که می تواند با عروج وصف آرائی و پیکار ضد سرمایه داری خود لبه تیز حمله را به سوی هر دو قطب جنگ افروز و خونخوار و بشرکش سرمایه جهانی بر گرداند. آیا کارگران جهان چنین خواهند کرد؟ موقعیت جنبش کارگری در شرائط روز بسیار اسفبار است اما برای میدان داری این جنبش و عروج آن علیه سرمایه و توطئه پردازی های تاتاریستی همه بخش های بورژوازی جهانی باید تلاش کرد.

فعالین جنبش لغو کار مزدی

۱ ژانویه ۲۰۰۸